اتحادیه اروپا در دوره پسابرگزیت برنامه‌های تلویزیونی ساخت انگلیس را تحریم می‌کند

جنگ سریالی در پسابرگزیت

میلاد جلیل‌زاده
روزنامه‌نگار

اخیرا اتحادیه اروپا قانونی را ابلاغ کرده که به‌موجب آن، به‌دلیل خروج بریتانیا از این اتحادیه، فیلم‌ها و سریال‌های این کشور نمی‌توانند مثل سابق در پلتفرم‌ها و شبکه‌های تلویزیونی اروپا منتشر شوند. از آنجا که انگلستان بزرگ‌ترین تجارت محصولات نمایشی را در سراسر اروپا دارد و این قاره بعد از آمریکا مهم‌ترین بازار انگلیسی‌هاست، چنین قانونی می‌تواند صدمه‌ای اساسی به فیلمسازان جزیره بزند. قضیه اما ابعاد پیچیده‌تری هم دارد، از تلاش برای احیای صنعت فیلمسازی اروپا توسط اخراج انگلستان از آن، تا نبرد بر سر استیلای زبان‌های دیگری غیر از انگلیسی بر مناسبات ارتباطی و علمی. در این گزارش، ضمن بررسی ابلاغیه جدیدی که اتحادیه اروپا درخصوص منع حضور محصولات انگلیسی در پلتفرم‌های اروپایی صادر کرده، مروری به ابعاد و زوایای دیگر این اقدام هم داشته‌ایم.

خودتان برگزیت را تصویب کردید و بهانه را دست اروپا دادید

داستان برگزیت کمپوبیش برای تمام دنبال کنندگان جدی مسائل سیاسی و حتی آن دسته از شهروندان عادی سراسر جهان که اخبار را پی می‌گیرند، آشناست. انگلیسی‌ها در یک همه‌پرسی جنجالی با رای شکننده‌ای تصمیم گرفتند از اتحادیه اروپا خارج شوند. این اتفاق، یعنی رای آوردن برگزیت، به‌مثابه نمادی از ظهور مجدد گرایش‌های فاشیستی در غرب تعبیر شد و پس از آن بود که در آمریکا هم شخصیتی مثل ترامپ ظهور کرد و به قدرت رسید. این تصمیمی بود که جامعه پیر انگلستان برای جوانان آن گرفت؛ چه اینکه ۷۵ درصد جوانان ۱۸ تا ۲۴ سال بریتانیایی رای به باقی ماندن در اتحادیه اروپا دادند ولی ۶۱ درصد افراد بالای ۶۵ سال رأی‌شان خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا بود. قوانین تجارت آزاد که بین اعضای اتحادیه اروپا برقرار بود، بعضی انگلیسی‌ها را به این فکر انداخت که با نبودن چنین چارچوب‌هایی منافع مالی بهتری دارند. مثلا یکی از موارد، به کارگران ارزانی مربوط می‌شد که از کشورهای دیگر حوزه یورو به انگلستان می‌آمدند و کارگران سفیدپوست انگلیسی فکر می‌کردند که به همین دلیل، نرخ دستمزد آنها شکسته شده و فقیر شده‌اند. به هر حال برگزیت رأی آورد و انگلستان از اتحادیه اروپا خارج شد. عضویت در این اتحادیه برای انگلستان می‌توانست محدودیت‌هایی ایجاد کند؛ اما منفعت‌هایی هم داشت. انگلیسی‌ها بین منافع حضور در یورو و لغو محدودیت‌های چنین حضوری، دومی را انتخاب کردند؛ اما رفته‌رفته برایشان مشکلاتی ایجاد شد. تحلیل‌ها در این باره ابتدا فقط سویه اقتصادی داشت. یعنی می‌گفتند با خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا ابتدا یک شوک منفی به اقتصاد این کشور وارد خواهد شد و رفته‌رفته اقتصاد جهانی، این وضعیت را خواهد پذیرفت و با آن کنار می‌آید؛ اما سویه‌های سیاسی این تصمیم از نظر دور مانده بود. خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا به‌عنوان یکی از ۹ کشور اولیه‌ای که تشکیل‌دهنده این اتحادیه بود، بسیاری از گروه‌های سیاسی را در سراسر اروپا و جهان نگران کرد و آنها را به انجام اقداماتی واداشت. به‌علاوه، خیلی از کشورها خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا را فرصتی برای ایجاد تغییراتی در موقعیت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دیدند. بالاخره همه‌چیز براساس پیش‌بینی‌های گلخانه‌ای، کاملا طبیعی و منظم پیش نمی‌رود و نیروهای سیاسی هم متغیرهایی هستند که به هر معادله‌ای می‌توانند اضافه شوند. این اقدام، یعنی خروج از اتحادیه اروپا، برای نئوناسیونالیست‌های انگلیسی آسان نبود اول، ولی در ادامه، افتاد مشکل‌ها؛ بحرانی که چندوقت پیش رخ داد و مطبوعات انگلستان از آن با عنوان «جنگ سوسیس» یاد می‌کردند، یکی از این موارد بود. حالا اما بحث فروش فیلم‌ها و سریال‌های انگلیسی در سایر کشورهای اتحادیه اروپا مطرح است. به نظر می‌رسد که این مورد، از موارد قبلی هم جدی‌تر و مهم‌تر باشد. این درحالی است که اتفاقا اکثریت قاطع هنرمندان انگلیسی با برگزیت مخالف بودند و حالا خودشان بزرگ‌ترین قربانی آن می‌شوند. اقدامات اتحادیه اروپا در قبال انگلستان به‌نحوی است که به نظر می‌رسد آنها خروج این کشور از اتحادیه را فرصتی برای خلاص شدن از بعضی معضلات مزمن خودشان می‌دانند که یکی از مهم‌ترین موارد آن، همین فروش محصولات فرهنگی است. این همان جایی است که متغیرهای سیاسی وارد معادله می‌شوند و به‌علاوه، خیلی از رقبای قدیمی انگلستان، برگزیت را فرصت و بهانه خوبی برای پیش‌بردن جریان‌ها به سود خودشان می‌بینند.

فیلم‌ها و سریال‌های انگلیسی، بزرگ‌ترین قربانیان برگزیت

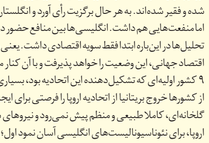

با وجود تصویب برگزیت، برنامه‌ها و فیلم‌های انگلستان هنوز هم به‌عنوان آثار اروپایی طبقه‌بندی می‌شوند؛ اما یک سند فاش‌شده اتحادیه اروپا که ابتدا توسط گاردین مشاهده شد، می‌گوید در دسترس بودن محتوای مربوط بریتانیایی در خدمات ویدئو به شرط درخواست (VOD) و همچنین امتیازات اعطاشده به آثار انگلیسی تحت‌عنوان آثار اروپایی، می‌تواند منجر به حضور نامتناسب (و بیش از حد) محتوای انگلیسی در سیمبه VOD اروپا شود و این مانعی در برابر طیف گسترده‌تری از آثار اروپایی قرار می‌دهد. به‌عبارت روشن‌تر؛ اتحادیه اروپا برای تمام سیستم‌های VOD که می‌خواهند در محدوده یورو فعالیت کنند، قانونی گذاشته که طبق آن سیمبه خاصی به فیلم‌ها و سریال‌های محصول اروپا تعلق می‌گیرد. انگلستان هم تا به‌حال از این سیمبه برخوردار بود و حالا که برگزیت اتفاق افتاده، بعضی اعضای دیگر پافشاری می‌کنند که این سهام از پادشاهی متحده گرفته شود تا کشورهای دیگر بتوانند با خروج از زیر سلطه زبان انگلیسی رشد کنند. بازار فیلم اروپا به‌دلیل زبان‌های مختلف و فرهنگ‌ها و سنت‌های گوناگون، در بسیاری از کشورها تکه‌تکه می‌شود. اروپا قاره کوچکی است. بخش اروپایی روسیه نزدیک به ۲۰ درصد از کل مساحت این قاره را به خود اختصاص داده و این درحالی است که حوزه بازار سرگرمی آن از اروپا جداست. پس از آن پهناورترین کشور قاره پیر، اوکراین است که آن هم در حوزه زبانی و فرهنگی روسیه قرار می‌گیرد. باقی کشورهای اروپایی در واحدهای قومی و فرهنگی متنوع و بسیار کوچکی قرار دارند و همین عدم‌یکپارچگی، ضرب‌نفوذ آنرا فرهنگی را به‌شدت کاهش می‌دهد. واضح است که در مساله تجارت سرگرمی، یکی از مهم‌ترین فاکتورها زبان است. زبانی که نهایتا چند میلیون گویشور داشته باشد، مناسب سرمایه‌گذاری سینمایی نیست و اگر به‌طور مثال آمریکا توانسته در سینما تا این اندازه موفق باشد، مقدار قابل توجهی از این توفیق، به گستردگی زبان انگلیسی در جهان برمی‌گردد. رشد خیره‌کننده سینمای چین در سال‌های اخیر هم از یک جهت به‌دلیل تعداد بالای افرادی است که زبان این فیلم‌ها را می‌فهمند. اما اروپا از واحدهای زبانی و فرهنگی کوچک و تکه‌تکه تشکیل شده که فیلم‌ساختن به اکثر این زبان‌ها نمی‌تواند صرفه اقتصادی داشته باشد. در اروپا صنعت فیلم از صدها شرکت کوچک و متوسط تشکیل شده است که فقط می‌توانند در سطح ملی فعالیت کنند و بازارهای ملی برای اکثر فیلم‌های اروپایی بسیار کوچک است؛ طوری که تولیدات عظیم با بودجه‌های بزرگ در آنها صرفه اقتصادی ندارد. متوسط سرمایه‌گذاری برای تولید هر فیلم در اروپا بین چهار تا ۱۱ میلیون یورو (۴/۴ میلیون دلار) و تا ۱۲/۳ میلیون دلار) است و این به‌طور قابل توجهی کوچک‌تر از هالیوود است که به‌طور معمول ده‌ها یا صدها میلیون دلار برای هر فیلم هزینه می‌کند. همین هزینه‌ها هم معمولا از جانب دولت‌های اروپایی و به انگیزه صیانت از فرهنگ بومی هر کشور پرداخت می‌شود و بازده تجاری قابل توجهی ندارد. اما بحث زبان سرمایه‌گذاری از دیگر نقاط دنیا فرق می‌کند. در مناطقی از دنیا که واحدهای زبانی کوچک و بسیار پرتعدادی وجود دارد، معمولا یک زبان میانجی نقش ابزار ارتباطی را بین گویشوران زبان‌های مختلف بازی می‌کند. زبان انگلیسی هم در بسیاری از نقاط دنیا چنین نقشی را ایفا کرده و بودن در اتحادیه اروپا قطعا به سود هنرمندان انگلیسی و مانعی برای قدکشیدن هنرمندان سایر کشورها بود. حالا اروپا برگزیت را به‌مثابه یک فرصت برای خلاصی از این وابستگی مزمن می‌بیند.

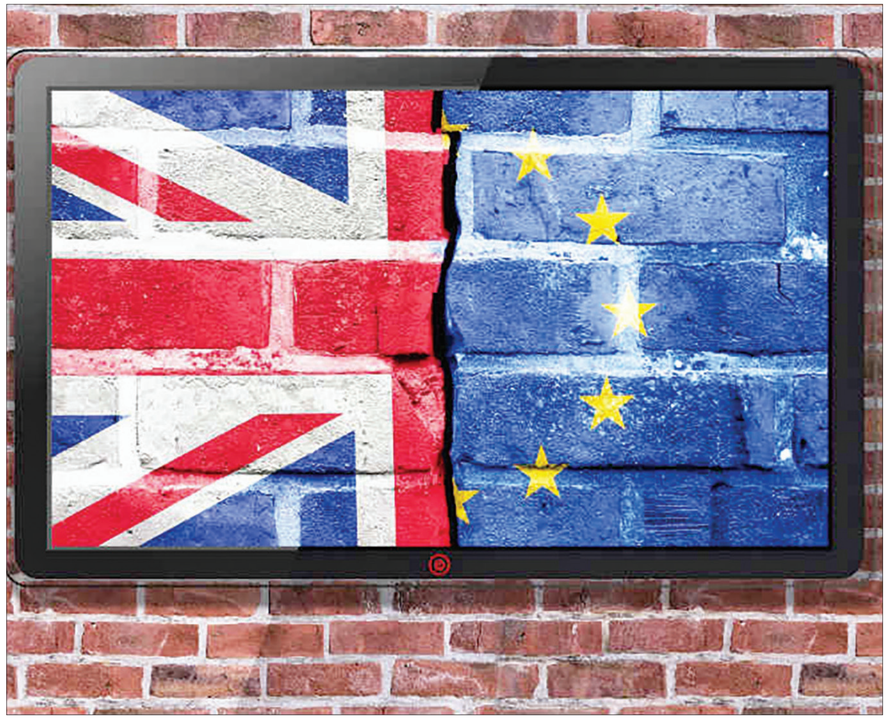

خروج انگلستان از اتحادیه و رویای بیرون آمدن اروپا از سلطه هالیوود

پیش از این هم اتحادیه اروپا بارها برای ایجاد سدی در برابر محصولات سرگرمی آمریکا طرح‌هایی درنظر می‌گرفت، اما هیچ‌وقت چندان توفیقی پیدا نکرد. اروپا توانمند است و بازار خوبی برای فیلم به‌حساب می‌آید اما خودش دوست دارد که تولیدکننده هم باشد. به‌طور سنتی، از دیرباز اروپا شکارگاه مورد علاقه سینمای آمریکا بود، هرچند تاریخ نشان می‌دهد که برخی اوقات، کشورهای اروپایی (به‌عنوان مثال فرانسه، اسپانیا و ایتالیا) تلاش کرده‌اند در برابر حضور پرقدرت فیلم‌های فرامنطقه‌ای مقاومت کنند. باوجود این در سال‌های اخیر، سینمای آمریکا سهم قابل توجهی از بازار اروپا را به خود اختصاص داده است. علاوه‌بر این، چشم‌انداز بازارهای سینمایی اروپا چندان درخشان نیست و سینمای آمریکا تلاش خاصی برای کندکردن سیرقهقرایی بیشتری را در آنجا به‌وجود بیاورد. البته کشورهای عضو اتحادیه اروپا سال‌هاست متعهد شده‌اند که از به‌ثمر رسیدن چنین تلاشی جلوگیری کنند و خروج انگلستان از اتحادیه فرصتی ایجاد خواهد کرد تا یک سد زبانی و فرهنگی در برابر محصولاتی ایجاد شود که با استفاده از نامتمرکز بودن بازار فرهنگی اروپا به‌دلیل تعدد زبان‌ها، آن را بلعیده بودند. باید توجه کرد بعضی کشورهای دیگر دنیا که گویشوران زبانی اندکی دارند، توانسته‌اند در بازار سرگرمی و محصولات فرهنگی سیاسی موفق باشند. این اما در اولین موقعیت نیازمند تولید محصولات بومی در بازار داخلی است و استقلال از چرخه صنایع بزرگ‌تری که قطب و مرکز آنها خارج از کشور قرار دارد. کره‌جنوبی بهترین نمونه در این زمینه است. در سراسر جهان تنها ۸۰ میلیون نفر به زبان کره‌ای صحبت می‌کنند که ۲۶ میلیون نفر آنها ساکن کره‌شمالی هستند و به‌طورکلی بیرون از این بازار محسوب می‌شوند. به این ترتیب آن دسته از گویشوران کره‌ای که مخاطبان بالقوه محصولات کره‌جنوبی هستند، از ۵۵ میلیون نفر تجاوز نمی‌کنند اما کره توانسته برای محصولات‌اش در سراسر جهان مخاطبان و مشتریانی پیدا کند. در مقابل کره، مثلا زبان آلمانی با بیش از ۱۰۰ میلیون گویشور سهم بسیار کمی از محصولات بازار سرگرمی دارد. اروپایی‌ها برای اینکه بتوانند به بازار فیلم و سریال شان سروسامانی بدهند، بسیار نیازمند به این هستند که از زیر سایه محصولات انگلیسی زبان خارج شوند. به‌علاوه، اقدامی که اتحادیه اروپا در قبال انگلستان کرد، یک پیام روشن سیاسی به تمام کشورهایی دارد که سودای خروج از آنچه به «نظم جهانی‌سازی» شهرت پیدا کرده را دارند. فراموش نکنیم بعد از انگلستان، در بعضی کشورهای دیگر هم زمزمه‌هایی مبنی بر استقلال از اتحادیه پیچید و به‌عنوان مثال فرگزیت، به‌عنوان نسخه فرانسوی برگزیت مطرح شد. حالا اتحادیه می‌خواهد با سختگیری و جدیت تمام، به همه شهروندان عضو نشان بدهد که خروج از این پیمان می‌تواند باعث ازدست‌رفتن چه امکاناتی شود. نشریات انگلیس، اقدامات جدید اتحادیه اروپا در قبال فیلم‌ها و سریال‌های انگلیسی را به یک «انتقام» تعبیر کرده‌اند و لحن تند نشریات فرانسوی هنگام گزارش و تحلیل این موضوع، نشان می‌دهد که آن تعبیر چندان هم بی‌راه نیست.

ادامه در صفحه ۱۳

چارپسو

.فهرمان- فرهادی در لیست پیشنهادی هالیوود ریپورتر

به گزارش فارس، به نقل از هالیوود ریپورتر «دیوید رونی، دبیر بخش نقد فیلم هالیوود ریپورتر، ۱۰ فیلم برتر جشنواره فیلم کن ۲۰۲۱ را معرفی کرد. در این فهرست فیلم‌های درجه یک از چهره‌هایی چون اصغر فرهادی، وس اندرسون، تیموتی شالامه، آدام درایور، فرانسیس مک‌دورمانت، نیل موری و پل رفوفلو جای دارند. در کنار فیلم جدید فرهادی یعنی «یک قهرمان» که جزئیاتی از داستان آن ارائه نشده؛ دیگر فیلم‌هایی که به این فهرست راه‌یافته‌اند، عبارتند از: «آنت» ساخته لئو کاراکس با بازی آدام درایور و ماریون کوتیار در نقش یک زوج که فیلم افتتاحیه امسال جشنواره کن هم هست، «بندتا» ساخته پل ورهوفن داستانی از قرن هفدهم با بازی ویرژینی افیرا و لمبرت ویلسون، «جزیره برکمان» ساخته میا هنسن-لاو با بازی تیم راث و ویکی کریپس درباره چند فیلمساز آمریکایی که در طول تابستان برای الهام گرفتن و نوشتن فیلمنامه‌های فیلم‌های آینده خود به یک جزیره می‌روند، «محفظه شماره ۶» ساخته یوهو کاسمانن، کارگردانی فنلاندی که فیلمی اقتباسی درباره سفر زنی به مسکو در روزهای پایانی جمهوری شوروی است، «همه‌چیز خوب پیش رفت» ساخته فرانسوا اوزون درباره مردی ۸۵ ساله پس از سکته مغزی که از دخترش می‌خواهد به زندگی او خاتمه دهد، «گزارش فرانسوی» ساخته وس اندرسون با بازی تیموتی شالامه، بنیسیو دل تورو، تیلدا سوینتون، فرانسیس مک‌دورمانت و نیل موری که با الهام از زندگی واقعی کارکنان مجله نیویورکر ساخته شده است، «مموریا» ساخته آپیچاتپونگ ویراساتکول کارگردان تایلندی برنده نخل طلای سال ۲۰۱۰ برای «عمو بونمی» که می‌تواند زندگی‌های فیلی‌اش را به یاد بیاورد؛ با بازی تیلدا سوینتون در نقش زنی که به کلمبیا سفر می‌کند تا ریشه یک صدای عجیب را پیدا کند. «نیترام» به کارگردانی جاستین کرزل درباره کشتار سال ۱۹۹۶ در تاسمانیا و اصلاح قانون استفاده از اسلحه در این سرزمین، «موشک سرخ» ساخته شین بیکر کارگردان مستقل درباره بازیگری که به شهر کوچک زادگاهش در نگزاس برمی‌گردد. هفتادوچهارمین جشنواره فیلم کن از ۶ تا ۱۷ جولای (۱۵ تا ۲۶ تیر) برگزار می‌شود.

ترامپ دربه‌در شبکه‌های اجتماعی!

به گزارش فارس، به نقل از واشنگتن تایمز؛ ترامپ پس از محدودیت دسترسی به حساب‌های خود در توئیتر، فیسبوک و یوتیوب متعلق به گوگل به «Rumble» یا لنترم ویدئویی رقیب پیوست. رئیس‌جمهور پیشین آمریکا در تلاش است شخصیت خود را در رسانه‌های اجتماعی این گونه تعریف کند: از شخصیتی که توسط غول‌های فناوری در سکوت خفه می‌شود تا یک شخص خارجی مخالف که وضع موجود را به چالش می‌کشد. در این گزارش آمده است که اولین ویدئو از حساب ترامپ، پخش مستقیم مراسم راهپیمایی شنبه وی در اوهایو را نشان می‌داد. راملی، با هجوم کاربران و پول نقد، به‌سرعت از طریق محافظه‌کاران، مبارزات شورشی حول راعلیه رقیب بسیار بزرگ‌تر خود، گوگل، به راه انداخته است. ماه گذشته کریس پالوفسکی، بنیانگذار راملی، گفت: «راملی تقریبا ۳۰ میلیون کاربر ماهانه دارد و ماهانه ۱۰ درصد تعداد کاربران خود را افزایش داده است. در وال‌استریت‌ژورنال این میزان از ۸۰۰ هزار بازدید ماهانه در ماه آگوست نیز فراتر رفته است». راملی از گوگل به‌دلیل نقض ضدانحصار در دادگاه فدرال شکایت کرده و اخیرا از طرف گروهی ازجمله پیتر تیل میلیاردر معروف و نویسنده محافظه‌کار «جی‌دی‌وَنس» سرمایه‌گذاری نامشخص زیادی جذب کرده است. تیل، بنیانگذار «PayPal» و اولین سرمایه‌گذار خارجی فیسبوک، از اولین پیشنهاد ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری حمایت کرد و ونس درحال بررسی نامزدی جمهوری‌خواهان برای کرسی سنای ایالات‌متحده از اوهایو است. بدخواهان راملی می‌گویند این تعهد ایدئولوژیک به آزادی بیان را که از مشخصه‌های اصلی شبکه‌های اجتماعی «پارلر» و «گب» است که به همین ترتیب می‌خواستند با شرکت‌های فناوری رقابت کنند، مشترک نیست. پارلر و گب دارای پست‌های میکروبلاگینگ مشابه توئیتر بودند که با افزایش ترس از سانسور توسط پلتفرم‌های برجسته‌تر، مخاطبان متمایل به راست را به خود جلب کرده‌اند.

«فرهیختگان» در کنار هنرمندان

تئاترشهر تبریز پس از دوسال تعطیلی بازگشایی شد

«فرهیختگان» دو هفته پیش در گزارشی با عنوان «تنهایی تئاتر در گذر از تعطیلات اجباری کرونایی» ضمن اشاره به وضعیت تئاتر در دوران کرونا با هنرمندان تبریزی هم مصاحبه‌ای داشت و در آن به تعطیلی تئاتر در این کلانشهر اشاره شده بود. از طریق همین هنرمندان باخبر شدیم که شب گذشته مجموعه تئاترشهر تبریز با حضور اصحاب فرهنگ و هنر استان بازگشایی شده و چراغ تئاتر تبریز در تالار تربیت روشن شد. نزدیک به دو سال پیش مجموعه تئاترشهر تبریز به‌دلیل فرسودگی بنای ساختمان و عدم استحکام کافی به دستور زنده‌یاد محمد محمدپور، مدیرکل فقید فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تعطیل شد تا به‌صورت جدی و تکمیلی بازسازی شود. این تعمیرات اکنون با پیگیری‌های فراوان هنرمندان در روزهای پایانی دولت یازدهم به پایان رسید. امید است چراغ تئاتر کشور به هر دلیلی که ناشی از ضعف مدیریت است، خاموش نشود و جریان اجرای مستمر تئاتر از امروز در تئاترشهر تبریز جریان داشته باشد. لازم به ذکر است ساختمان «تئاترشهر» تبریز، بخشی از ساختمانی تاریخی در ضلع شمال‌شرقی میدان دانشسرای این شهر است که کتابخانه معروف «تربیت» نیز در آن واقع شده است. قدمت این ساختمان به اوایل قرن حاضر شمسی بازمی‌گردد و در محلی واقع شده که در دوره قاجار به «میدان مشق» معروف بود و سربازان اشغالگر روسیه تزاری در عاشورای ۱۲۹۰ شمسی، ثقه‌الاسلام و یارانش را به جرم وطن‌خواهی در آنجا به دار آویختند.

ادامه از صفحه ۱۲

صنعت سرگرمی انگلیس چقدر از برگزیت ضرر خواهد کرد؟

طبق بخشنامه‌ای که اداره خدمات رسانه‌های سمعی و بصری اتحادیه اروپا صادر کرده، حداقل ۳۰ درصد از عناوین موجود در سیستم عامل‌های ویدئویی (VOD) مانند Netflix و Amazon را باید محصولات اروپایی تشکیل دهند تا این پلتفرم‌ها اجازه فعالیت در محدوده اتحادیه اروپا را داشته باشند. کشورهایی مانند فرانسه پا را از این هم فراتر گذاشته و سهمیه‌ای ۶۰ درصدی برای کارهای اروپایی در VOD تعیین کرده‌اند و در ضمن خواستار اختصاص ۱۵ درصد از گردش مالی سیستم‌عامل‌ها به تولید آثار سمعی و بصری و سینمایی اروپا هستند. طبق یک سند اتحادیه اروپا که در ۸ ژوئن به دیپلمات‌ها تقدیم شد، در پسابرگزیت اعتقاد بر این است که درج محتوای انگلیسی در چنین سهمیه‌هایی، منجر به بر هم‌خوردن تناسب بین برنامه‌های انگلیسی با سایر برنامه‌های اروپایی در شبکه‌های تلویزیونی اروپا شده است. در این سند صراحتا بیان شده که در دسترس بودن بالای محتوای انگلیسی در VOD و استفاده این آثار از سهمیه آثار اروپایی، می‌تواند مانعی جدی بر سر راه تنوع بیشتر آثار اروپایی ایجاد کند. ازجمله در این میان به کشورهای کوچک‌تر یا زبان‌هایی که گویشوران کمتری دارند، اشاره شده است. فروش حقوق بین‌المللی سریال‌های انگلیسی به کانال‌های اروپایی و سیستم‌عامل‌های VOD موجب فروش ۴۹۰ میلیون پوندی صنعت تلویزیون انگلیس بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ شده و اروپا دومین بازار بزرگ انگلیس، پس از ایالات‌متحده است. انگلستان نیمی از محتوای تلویزیون اروپا را توسط حضور در VOD اروپا فراهم می‌کند و آثار انگلستان بیشترین تبلیغات را در VOD دارند؛ درحالی که کمپانی‌های این کشور، خودشان کمترین سهم را در میان کشورهای EU27 به‌عنوان سفارش‌دهندگان تبلیغات دارند. سخنگوی دولت انگلیس می‌گوید آثار انگلیسی همچنان به‌عنوان آثار اروپایی قلمداد می‌شوند، چون انگلیس عضو کنوانسیون اروپایی تلویزیون فرامرزی شورای اروپاست. انگلیس دیگر در اتحادیه اروپا نیست؛ اما همچنان عضوی از شورای اروپاست که بر توافقنامه ۱۹۸۹ نظارت می‌کند؛ توافقی که مجوزهای پخش را به هم پیوند می‌دهد. به‌علاوه، انگلیس دیگر عضو اتحادیه اروپا نیست اما همچنان یک کشور اروپایی است و اصطلاحا کشور ثالث به حساب می‌آید؛ یعنی با اینکه عضو اتحادیه نیست، جزئی از اروپاست. بااین‌حال ظاهرا اتحادیه اروپا در اعمال محدودیت‌ها بر آثار انگلیسی بسیار جدی است. انگلیس با فروش حقوق پخش بین‌المللی آثارش به ارزش حدود ۱/۴ میلیارد پوند، بزرگ‌ترین تولیدکننده فیلم‌های تلویزیونی در اروپاست. تسلط رسانه‌های انگلیس بر این بازار، باعث عصبانیت کشورهایی ازجمله فرانسه و اسپانیا شده است و حتی کشورهای اروپایی که جزء اعضای اتحادیه اروپا نیستند، مانند ترکیه، اوکراین، مولداوی و بوسنی هم از این خواسته‌ها پشتیبانی می‌کنند. حالا از یک‌سو رئیس اتحادیه پخش‌کنندگان محصولات انگلیسی می‌گوید که چنین اتفاقی می‌تواند تاثیری جدی بر تولید آثار انگلستان بگذارد و از طرف دیگر برخی هواداران مجموعه‌های انگلیسی از این رویداد ناراضی هستند. به‌عنوان مثال چارلی ویمرز، نماینده اروپا در سوئد، در این‌باره گفت: «واقعا چه بیننده‌هایی طنز فرانسوی را نسبت به آثار کلاسیک انگلیسی مانند مونتی پایتون، برج‌های فاولتی، بلک ادر و بله آقای نخست‌وزیر انتخاب می‌کنند؟» اما اتفاقا فرانسه به‌شدت پیگیر لغو سهمیه انگلستان از بازار تلویزیونی اروپاست. تصور می‌شود فرانسه وقتی ریاست دوره‌ای اتحادیه را در ژانویه به دست بگیرد، برای اصلاح قانون، طوری که به حذف سهمیه انگلستان در شبکه‌های تلویزیونی اروپا منجر شود، تلاش خواهد کرد. رئیس‌جمهور فرانسه، امانوئل مکرون، می‌خواهد از قدرت تعیین دستورکار در اجلاس‌های اتحادیه، برای پایان دادن به استفاده انگلیس از این سهمیه استفاده کند. این دومین ضرر بزرگی است که صنعت فیلم و تلویزیون انگلستان در سال‌های اخیر متحمل می‌شود. پیش از این هم چین پس از لغو مجوز پخش برنامه دولتی چینی CGTN توسط انگلیس، کانال اخبار بی‌بی‌سی جهانی را در سال جاری ممنوع کرد که این اتفاق بیشتر از ضرر مالی، به اعتبار شبکه‌های تلویزیونی انگلیسی‌زبان صدمه زد. حالا اروپا به بهانه برگزیت می‌خواهد یک نه بزرگ به زبان انگلیسی می‌خواهد بگوید؛ زبانی که فرانسوی‌ها با لحنی شاد و شگفتی‌ساز آن را ابزار استعمار اروپا می‌دانند و اولین نقطه‌ای که این کینه‌های کهن از آن سر برون زد، سینما و صنعت سریال‌سازی بود.

جنگ نرم استعمارگران بر سر سلطه جهانی با ابزار زبان

غیر از بحث‌های تجاری و مالی، یکی از مباحث مهمی که باعث می‌شود درمورد محصولات رسانه‌ای انگلستان در اتحادیه اروپا سختگیری‌های جدی صورت بگیرد، بحث سلطه زبان انگلیسی است. انگلیسی هنگامی که بریتانیا از اتحادیه اروپا خارج می‌شد، زبان بومی یک‌درصد از ساکنان این قاره بود؛ اما نیمی از محصولات اروپایی که در شبکه‌های تلویزیونی سراسر قاره پخش می‌شدند به انگلستان تعلق داشت و در بین آثار غیراروپایی هم بخش اعظم محصولات آمریکایی و به زبان انگلیسی بودند. زبان یک عنصر مهم و استراتژیک در مناسبات جهانی است و عرضه محصولات فرهنگی به یک زبان خاص، خصوصا سینما و صنعت سریال‌سازی که نه فقط با قشر نخبه، بلکه با توده مردم ارتباط برقرار می‌کند، نقش مهمی در جا افتادن یک زبان دارد. به همین جهت است که غیرانگلیسی‌زبانان اروپا، خروج بریتانیا از اتحادیه را دلیل و بهانه‌ای کافی برای مقابله با گسترش روزافزون این زبان در پهنه قاره سبز می‌دانند و در اولین گام، اولین اقدامی که انجام می‌دهند، حذف سهمیه اروپایی انگلستان از سیستم‌های VOD است. برای درک این نکته که مقابله با سلطه زبان انگلیسی در قاره اروپا تا چه حد به سایر اعضای اتحادیه در جهت حذف سهمیه انگلیس از شبکه‌های تلویزیونی اروپا انگیزه داده است، بد نیست به بخش‌هایی از مطلبی که یکی از استادان دانشگاه فرانسوی، پیش از ابلاغ رسمی این قانون نوشته بود، توجه شود. مجله اقتصادی و مالی تربیون که در فرانسه منتشر می‌شود، در مطلبی که زانویه امسال با این تیتر که «پس از برگزیت، انگلیسی دیگر نمی‌تواند زبان رسمی اتحادیه اروپا باشد»، امسال به قلم ژان کریستف گالین، استاد دانشگاه سوربن منتشر کرد، می‌نویسد: «مطالعه‌ای که توسط دو استاد اقتصاد از دانشگاه‌های لیون و سوبال انجام شده و در مجله Regards Economiques منتشر شده است، اخیرا وزن بودجه اروپا برای هریک از ۲۴ زبان رسمی اتحادیه را اندازه‌گیری کرده است. تا حد زیادی، زبان انگلیسی است که بیشترین وزن را دارد؛ یک‌سوم بودجه زبان اتحادیه به قیمت ۲۹۰ میلیون یورو به انگلیسی تعلق می‌گیرد و این رقم خودبه‌خود سلطه زبان انگلیسی را منعکس می‌کند.»

او ادامه می‌دهد: «فراتر از این تجزیه و تحلیل هزینه‌های عمومی، انگلیسی که به یاد داشته باشیم زبان مادری اتحادیه اروپا نیست، درواقع به‌دلیل منافع سیاسی، دیپلماتیک، نهادی، مالی و فرهنگی، مالا، کاملا استعماری شده است. و سپس می‌نویسد: «بریتانیای کبیر که هرگز به‌طور کامل وارد اتحادیه نشد، به‌محض پیوستن به آن در سال ۱۹۷۳ و مدت‌ها قبل از تمایل به خروج از این پیمان، عمدتا به‌دلیل ضعف جمعی ما در سلطه‌بخشی سریع بر زبان‌های فرانسه و آلمانی، موفق شد زبان خود، یعنی انگلیسی را تحمیل کند. از نظر تئوری، کلیه اسناد مهم منتشرشده توسط اتحادیه به سه زبان کاری فرانسه، آلمانی و انگلیسی موجود است. در عمل اما وقتی شما متون روزمره اتحادیه و نهادهای آن را مانند من مرور می‌کنید، می‌بینید که اکثر اسناد، بیش از ۷۰ درصد از اسناد شورا، کمیسیون و حتی پارلمان اروپا، ابتدا به انگلیسی و کمتر به فرانسه و آلمانی نوشته شده است. بله، قدرت انتشار جهانی‌سازی فرهنگی و اقتصادی، زبان انگلیسی را به‌عنوان زبان دوم تقریبا بومی شده، برای بیشتر اروپاییان، به‌ویژه جوانان توجیه و تحمیل کرده است.» نفرت و عصبانیت از سلطه زبان انگلیسی در لحن این استاد دانشگاه سوربن به‌حدی می‌رسد که در انتهای متن خود می‌نویسد: «انگلیسی، زبان مادری یک سرمایه‌داری جهانی‌شده توسط غرب، می‌تواند در این قرن با رقبای بلندپرواز جیغ جایگزین شود. اگر چنین اتفاقی افتاد، بیایید زبان چینی را یاد بگیریم، اما لطفا به همان دلایلی که برخی مردم می‌خواهند انگلیسی را به‌عنوان تنها زبان اتحادیه حفظ کنند، آن را به زبان اتحادیه اروپای قرن ۲۱ تبدیل نکنید. زنده‌باد زبان‌های اروپایی و زنده‌باد اروپا!» به‌عبارتی او به آموختن زبان چینی خوشبین‌تر است تا ادامه تسلط زبان انگلیسی.

ماجرای خواب عمیق مراکز هنری شهرداری تهران

محراب محمدزاده
روزنامه‌نگار

۱ در کلانشهر تهران، سالن‌های بسیاری وجود دارد که کم و بیش از امکانات قابل‌قبولی بهره‌مند هستند و حداقل اگر نتوانند در برخی مسائل چون تعداد نور، صوت و دیگر امکانات لازم برای اجرا یک نمایش کافی باشند، اما فضای بسیار خوبی برای مخاطبان دارند. شهرداری تهران با بیش از ۳۰۰ مرکز و مجموعه شامل فرهنگسرا و خانه‌فرهنگ و سرای محله و کتابخانه با سالن سینما و تئاتر در کلانشهر تهران و بیش از ۱۰ هزار نیروی تخصصی و فنی و عمومی به‌تنهایی از بزرگ‌ترین مجموعه‌های فرهنگی هنری ایران به‌حساب می‌آید. معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران و سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران دو تشکیلات بزرگ برای هدایت فعالیت فرهنگی و هنری در شهر تهران هستند.

اغلب سالن‌ها در اختیار شهرداری تهران است و از آنجا که شهرداری یکی از نزدیک‌ترین نهادها به مردم است، انتظار این است که شاید به‌جای بی‌استفاده ماندن سالن درطول روزهای سال سالن‌های تئاتر را با شرایط و حمایت مناسب در اختیار گروه‌های حرفه‌ای تئاتر قرار دهند تا بتوانند اجراهایی مستمر برای محلات مختلف شهر تهران داشته باشند یا در حالت دیگر سالن‌ها را در اختیار گروه‌های تئاتر آماتور مردمی یا گروه‌های تئاتری دانشجویی قرار دهند که غالبا بی‌توقعات مالی اقدام به تولید اثر می‌کنند.

بسیاری از هنرمندان و فعالان فرهنگی معتقدند اگر شهرداری بخواهد با امکانات لجستیکی و تبلیغاتی خود می‌تواند تاثیری بسزا در جریان تئاتر داشته باشد و شرایط اقتصادی این هنر و از آن مهم‌تر نزدیک شدن ارتباط میان مردم و تئاتر شود. در این بین باید به این نکته هم اشاره کنیم که سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران بخشی را تحت اداره ساماندهی و پایش مراکز مشارکتی دارد که وظیفه گسترش مشارکت شهروندان در تعاملات فرهنگی هنری در کلانشهر تهران را برعهده دارد، اما این مرکز در عمل اقدامی خاص و ملموس تاکنون صورت نداده است.

۲ شهرداری تهران طی ۲۰ سال گذشته در قدم اول توانسته است ظرفیت امکانات سخت‌افزاری در عرصه فرهنگ و هنر را به میزان نسبی مخاطبان شهری افزایش دهد، اما امکاناتی که نتوان